

فهرست

۱۱	مقدمه مصحح
۳۷	باب اول
۳۸	فصل اوک
۳۸	در آخذ موسیقی
۴۱	فصل دویم
۴۱	در پیدا شدن دوازده مقام
۴۳	فصل سیوم
۴۳	در بیان پیدا شدن بیست و چهار شعبه
۴۷	باب دوم
۴۸	فصل اوک
۴۸	در بیان چهل و هشت گوشه
۵۳	دایره کلیات موسیقی یا کره نغمه
۵۴	فصل دویم
۵۴	در بیان چهار شد که ارکان نغمه گویند و عناصر نغمه نیز گویند
۵۷	فصل سیوم
۵۷	در بیان ضرب اصول
۶۵	باب سیوم
۶۶	فصل اول
۶۶	در بیان وضع تصنیف و شناخت آنها
۶۹	فصل دویم
۶۹	در بیان آنکه هر نغمه را در چه وقت باید خواند و چه خاصیت دارد
۷۱	فصل سیم
۷۱	در بیان آنکه هر سازی چه طبع دارد و چه خاصیت دهد
۷۷	باب چهارم
۷۸	فصل اوک
۷۸	در بیان آنکه هر نغمه را از آواز حیوانی و غیره فرا گرفته‌اند
۸۰	فصل دوم
۸۰	در دانستن آنکه در پیش هر طایفه‌ای چه نغمه باید خواند
۸۴	فصل سیم

در دانستن آنکه نزد مردم هر دیار و به چه وضع آدم، چه نغمه [ای] باید خواند و نواخت، نزد مردم سرخ و سفید و لاغر و فربه و غیره.....	۸۶
باب پنجم.....	۸۹
فصل اول.....	۹۰
در بیان آنکه عامل این فن را چه قسم سلوک باید کرد (آدات عاملین).....	۹۰
فصل دوم.....	۹۲
بدانکه هر طایفه در کدام فن ماهراند و کدام فن را بهتر می دانند.....	۹۲
فصل سوم.....	۹۴
در بیان آنکه مراتب ارکان نغمه و کلیات که هر کدام را به جانی نسبت داده اند.....	۹۴
تفصیل.....	۹۶
ضرب های اصولی که در این رساله مسطور است.....	۱۰۳
تصاویر نسخه اصلی.....	۱۰۹
منابع.....	۱۴۳

مقدمه مصحح

در باب چگونه یافتن رساله‌ی حاضر؛ به خوبی، به خاطر دارم که در نخستین روزهای تحصیلی سال ۹۰ خورشیدی، در دوره کارشناسی ارشد، یکی از اساتید دروس تخصصی‌مان در رشته هنر اسلامی، تکلیف اجباری هفتگی‌ای را بر عهده‌مان گذارده بود، مبنی بر جستجو در کتابخانه‌های مطرح جهان و یافتن نسخه‌های خطی که مزین به نگاره‌هایی از هنر نگارگران ایرانی باشد. این جستجوهای هفتگی در پیچه‌ای تازه بود برای‌مان، تا اقیانوسی از کتابها و رساله‌ها و نسخه‌های ایرانی موجود در سراسر دنیای امروز را بشناسیم. رساله در فن موسیقی» حاج حسین ظهری اصفهانی نیز در همین رهگذار هفتگی که دیگر به تکاپوی هر روزه بدل گشته بود، یافته شد. درّی گرانبها از دریای همیشه خروشان موسیقی ایرانی، اما دور افتاده از سرزمین اصلی‌اش در کتابخانه‌ای در اروپا. علاقه‌مندی به موسیقی و مطالعاتی که در این وادی داشته‌ام، سبب گردید تا بازخوانی و ویرایش و تصحیح این رساله را به انجام رسانم. هر چند جستجو برای یافتن نسخه‌ای دیگر از این رساله در طول این سالها بی‌نتیجه ماند. به هر روی با آنکه قسمت‌هایی از رساله دچار آسیب گردیده بود، اما مانع از آن نشد که چندین و چندبار مورد خوانش قرار بگیرد، و تا زمانه اکنون که نوبت به چاپ آن رسیده است، بارها و بارها بازنویسی نشود، تا کمترین اشتباه در خوانش و بازنویسی را داشته باشد. از این روی امیدوارم که این اقدام فرهنگی هر چند کوچک، موجب رضایت خاطر

علاقه‌مندان به موسیقی و رسالات موسیقایی و همچنین موسیقی‌پژوهان ایرانی گردد و دیگر خوانندگان را نیز به کار آید.

عصر مهاجرت: با آغاز حکومت صفویان در ایران (۹۰۷ ه.ق) و رسمی شدن مذهب شیعه به دستور شاه اسماعیل اول (حک: ۹۰۷ - ۹۳۰ ه.ق)، شماری از ایرانیان اقدام به مهاجرت از وطن مألوف خویش نمودند. مقصد این مهاجران سه ناحیت هرات در شرق، عثمانی در غرب و شبه قاره هند بود. در میان مهاجرانی که به هند رخت عزیمت بستند، نام تعداد زیادی از هنرمندان، اعم از موسیقیدانان، شاعران، خطاطان و نقاشان، تاریخ‌نویسان و تذکره‌نویسان به چشم می‌خورد. چنانچه گلچین معانی در «کاروان هند» از قریب به ۷۴۱ مهاجر نام می‌برد که در حوزه‌های مختلفی فعالیت داشته‌اند (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱ و ۲).

الگود در کتاب «طب در دوره صفویه» علل مهاجرت ایرانیان به هند را اینگونه بر می‌شمرد: «اضطراب و عدم تأمین جانی، نبودن امکان بهره‌برداری از تخصص، وجود موانع متعدد بر سر راه تحقق بخشیدن به خواسته‌های درونی، عدم امکان پیشرفت که بشر به خاطر آن به وجود آمده است... و یک‌سری عوامل نامساعد اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی که موجب می‌گردد چشم امید یک طبقه خاص از اجتماع به آن سوی مرزها دوخته بشود... عقاید دینی و باورهای مذهبی نیز یکی دیگر از دلایل مذکور است» (الگود، ۱۳۵۷، ۸۵). از سویی میثمی در «موسیقی عصر صفوی» مهاجرت موسیقیدانان در دوران صفوی را به دو دوره تقسیم می‌نماید. دوره اول در برگیرنده‌ی عصر حکومت شاه اسماعیل اول، شاه تهماسب، شاه اسماعیل دوم و شاه سلطان محمد خدابنده می‌باشد و دوره‌ی دوم مقارن با حکومت شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است (میثمی، ۱۳۸۹، ۱۱۷).

با توجه به آنکه دوران حکومت اورنگ‌زیب، پادشاه گورکانیان هند، از سال ۱۰۶۸ تا ۱۱۱۸ ه.ق بوده است؛ این دوران مقارن با سال‌های حکومت سه تن

فصل اول

در بیان آنکه هر نغمه را از آواز حیوانی و غیره فرا گرفته‌اند.

(هر نغمه را از آوازی گرفته‌اند)^{۹۴} چنانچه راست را از آواز گاو، و میرقع را از آواز گوساله ان، و پنجگاه را از آواز اشترِ خموش، و عشاق را از آواز پر زنبور؛ یعنی از زنبورهای سرخ‌گلان، و زابل را از آواز بوم، و اوج را از آواز نعره‌ی پلنگ، و بوسلیک را از آواز جنگ کردن گربه، و نوروز صبا را از آواز تیهو، و عشیران را از آواز بانگ خروس، و حسینی را از آواز شیهه‌ی اسب. و نیز گویند که پیرزنی، پسری داشت حسینی نام، وفات یافت. پیرزن به رسم نوحه‌گران بر سر قبر او فریاد می‌کرد که: «بابا حسینی های های، فرزند حسینی های های». استاد فیروز سمرقندی بر او گذشت و حسینی را از آواز پیرزن وضع نمود. اما استادان قبول ندارند این قول را. اما صحیح آن است که از شیهه‌ی اسب^{۹۵} فرا گرفته‌اند. دوگاه را از آواز گوسفند نر، و محیر را از آواز شغال، و اصفهان را از آواز شتر مست در وقت جنگ کردن، و نیریز را از آواز سقب^{۹۶} که بر آهن گردد، و نشابورک را از آواز ماکیان در وقت

۹۴. در حاشیه آمده است.

۹۵. در اصل: اسب.

۹۶. سقب. [س] (ع ۱) شترکره یا شترکره نوزاد هرچه باشد یا شترکره‌ی نر. (از منتهی‌الارب) (آندراج). بچه شتر نر. ج. سقاب و سقبان. (از مهذب‌الاسماء): بچه ناقه‌ای که در آن ساعت بر زمین